



قرآن کریم و نیکو سخن گفتن

مهدی تجلیل - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

مقدمه

چنان که می‌دانیم آدمی یک خود فردی دارد و آن مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، آمال، امیال، خواست‌ها و شهوات اوست که در این قلمرو، کارهای عادی خود را انجام می‌دهد. این مرتبه را می‌توان مرتبه «دانی و حیوانی» او نامید و دیگری خود «علوی، انسانی و ملکوتی» اوست. خود حیوانی و خاکی آدم تنها وسیله و مرکبی برای رسیدن به خود انسانی وی به شمار می‌رود. «اما خود متعالی» انگیزه معنوی و الهی دارد، پایگاه کرامت ذاتی انسان محسوب می‌شود و با این جنبه از وجود خود است که آدمی ارزش، قداست و تعالی پیدا می‌کند.

باری همین خود ملکوتی انسان است که سرچشمه ارزش‌های متعالی و انسانی می‌شود و به اخلاق معنایی فراتر از سود و مصلحت می‌بخشد. بنابراین، با قبول این جنبه از خود انسانی، ارزش‌های اخلاقی انسان اثبات می‌شوند و به منصف ظهور می‌رسند. در این مقاله، ابتدا کلیاتی را تحت عنوان «نکته‌ها» در خصوص آثار نیکو سخن گفتن و خوش‌کلامی از زبان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌آوریم، آن‌گاه به متن قرآن و تفسیر وارد می‌شویم و آیاتی را در زمینه خوش‌کلامی و با یکدیگر به نیکو سخن گفتن نقد و تحلیل می‌کنیم.

الف) نکته‌ها

در ستایش سخن خوش و نیکو روایات بسیار است. در این جا به نمونه‌هایی از آن‌ها به شرح زیر اشاره می‌کنیم:

۱. رسول خدا(ص) فرمود: **ثَلَاثٌ مِنْ لَقِيَّ اللَّهُ تَعَالَى بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ: مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ، وَخَشِيَ اللَّهَ فِي الْمَغِيبِ وَ الْمَحْضَرِ، وَتَرَكَ الْمِرَاءَ وَانْكَانَ مُحِقًّا.**

ترجمه: «سه چیز است که هر که خدا را با آن‌ها ملاقات کند، از هر دری که بخواهد داخل بهشت می‌شود کسی که خلقش نیکو باشد، کسی که در نهان و آشکار از خدا بترسد، و کسی که ترک جدال کند، اگر چه حق با او باشد.»

۲. و فرمود: خوش کلامی و اطعام شما را در بهشت جای می‌دهد.^۱

۳. ... و فرمود: در بهشت غرفه‌هایی هست که (از درخشنده‌گی) بیرون آن‌ها از درون و درون آن‌ها از بیرون دیده می‌شود. خدا آن‌ها را برای کسانی آماده کرده است که مردم را اطعام کنند و خوش سخن باشند.^۲

۴. ... و فرمود: **الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ.**^۳

ترجمه: «سخن نیکو صدقه است.»

۵. امام باقر(ع) فرمود: **قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تَحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ.** ترجمه: «با مردم به نیکوترین

وجهی که می‌خواهید با شما سخن گفته شود، سخن بگویید.»^۴
۶. همچنین، پیامبر اکرم(ص) فرمودند:^۵

سه چیز است که در هر که نیست، کارش انجام نگیرد: تقوایی که وی را از گناه باز دارد، اخلاقی که با مردم بسازد و مدارا کند و حلمی که با آن سبکی را از نادان سبکسر دفع کند.

خدا مهربان و دازنده رفق است و کسی را که چنین باشد، دوست دارد و آن پاداشی که بر رفق و نرمی می‌دهد، بر عسف و درشتی نمی‌دهد.

هر کس در کار خود رفق داشته باشد، به آنچه از مردم بخواهد، می‌رسد.

هر که رارق و نرمی دادند، خیر دنیا و آخرت به او دادند و هر که را از رفق محروم ساختند، او را از خیر دنیا و آخرت محروم کردند.

۷. امام کاظم(ع) نیز فرمودند:^۶ «نصف عیش و زندگی آدمی رفق و نرمی است.»

و به تجربه دریافت و مکتور ملاحظه شده است که امور رفق و مدارا اجرا می‌شوند، هرگز با خشونت و درشتی به انجام نمی‌رسند. و هر پادشاهی که به لشکر و رعیت خود مهربان و نرم است، امور مملکت او منتظم و سلطنت او دوام دارد.

ب) قرآن کریم و نیکو سخن گفتن

اکنون می‌پردازیم به بحث اصلی خود، یعنی دیدگاه قرآن کریم درباره

نیکو سخن گفتن:

قرآن کریم می‌فرماید:
... **وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ.**^۷

ترجمه: «و با مردم (به زبان) خوش سخن بگویید و نماز را به پای دارید، و زکات را بدهید.»

بیان تفسیری آیه از دیدگاه تفاسیر

۱. صاحب تفسیر «منهج الصادقین» وجه آوردن «حُسْنًا» را در «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» به منظور مبالغه می‌داند و مراد از آن را تخلق و ارشاد یاد می‌کند. ایشان آیه را چنین معنا می‌کند: «با عامه مردم گفتاری نیکو داشته باشید و با اخلاق حسنه رفتار کنید و ایشان را به راه صواب و رشد رهنمون باشید.»^۸

۲. صاحب تفسیر «نور الثقلین» در ذیل آیه شریفه «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» به ذکر سه روایت از سه کتاب اکتفا کرده است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در کتاب شریف «کافی» به نقل از ابی عمرو الزبیری از ابی عبدالله(ع) نقل شده است که: «خداوند تبارک و تعالی ایمان را

بر اعضای بدن

آدمی واجب

کرده و

وظیفه‌های

هر یک را جداگانه

توضیح داده

است. از

جمله: «گفتن را

بر زبان، و بیان را بر



قلب و هر چه باور دارد نزدیک کرده است. در همین راستا خداوند می فرماید: **وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا** ۹. و در کتاب «مصباح الشریعه» از قول حضرت صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «با هر لحنی و در هر حالی مردم را نخوانید و دعوت نکنید. خداوند عزوجل فرمود: با مردم به زبان خوش رفتار کنید.» ۱۰

در جای دیگری قرآن کریم می فرماید: **قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ** ۱۱. ترجمه: «گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندى آن‌ها)، بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد و خداوند بی نیاز بردبار است.»

بیان تفسیری آیه

در تفسیر «مجمع البیان»، ذیل ترکیب «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ» تعبیرهای گوناگونی نقل شده است: در یک تعبیر، در معنای «سخن و کلام نیکو و زیبا» نقل شده و با آن مترادف دانسته شده است و در تعبیری دیگر، در مفهوم «دعای خوب و شایسته» آورده است. ۱۲ در بیان دیگر (به نقل از ضحاک) در «اصلاح ذات البین» به کار رفته است.

از پیامبر (ص) ذیل آیه شریفه نقل شده است که فرمود: «چون سائلی از شما چیزی خواهد، خواسته او را بر وی قطع مکنید، تا آن که از آن فارغ

شود. سپس با وقار و نرمی به او پاسخ دهید که آن پاسخ به وجه نیکو اندک چیزی است به او.»

گاهی کسی به سوی شما می آید که نه انسان است نه جن. حق تعالی فرشته‌ای را به صورت سائلی نزد شما می فرستد تا شما را بیازماید که با وی چگونه رفتار می کنید (در عین لطف و تفضلی که به شما ارزانی داشته است). ۱۳.

و همچنین، قرآن کریم در بیان برخورد با کسی که می خواهد بین پیامبر (ص) و دشمنان آن حضرت کینه و نفاق ایجاد کند، فرموده است: **... اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ... ۱۴** ترجمه: «بدی را با آنچه بهتر است دفع کن، آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمن است...»

بیان تفسیری آیه

صاحب تفسیر «نور الثقلین»، مراد از «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ...» را «ادْفَعْ سَيِّئَةً مِّنْ اَسَاءِ اِلَيْكَ بِحَسَنَتِكَ» می داند، یعنی: «بدی کسی را که به تو زشتی کرده است، با نیکی کردن از خود دور کن.» ۱۵

مرحوم طبرسی در ذیل این آیه و این که آیه خطاب به پیامبر گرامی (ص) است، در تفسیر «مجمع البیان» می گوید: «مراد از آیه اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ...، اِدْفَعْ بِحَقِّكَ بِاطْلَهُمْ وَ بِحِلْمِكَ جَهْلَهُمْ وَ بِعَفْوِكَ اِسَاءَتَهُمْ» است.

در واقع، خداوند رسول

گرامی (ص) را مورد خطاب قرار می دهد و به وی می گوید: «با حق خودت، باطل دیگران و با حلم خودت، جهل آن‌ها و با بخشش خودت، بی احترامی و بدی آن‌ها را از خود دور کن.» ۱۶

آن گاه خدای سبحان دفع به احسن را به بهترین و بلیغ ترین وجه، ستوده و فرموده است: **وَمَا يَلْقَاهَا اِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا، وَ مَا يَلْقَاهَا اِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ**.

ترجمه: «کسی این سفارش را نمی پذیرد، مگر کسانی که صبور هستند و نیز آنان که بهره ای بزرگ از کمال انسانیت و صفات نیک برده اند.»

در مضمون این آیه شریفه علاء بن حضرمی، یکی از شاعران عرب، شعری سروده است که در این جا نقل می کنیم:

وَحَيِّ ذَوِي الْأَضْغَانِ تَسْبُ قُلُوبَهُمْ
تَحِيَّتِكَ الْعَظْمِيُّ فَقَدْ يَرْفَعُ النَّغْلَ
فَإِنْ أَظْهَرُوا خَيْرًا فَجَزَّ بِمِثْلِهِ
وَإِنْ خَنَسُوا عَنْكَ الْحَدِيثَ فَلَا تَسْلُ
فَإِنَّ الَّذِي يُؤْذِيكَ مِنْهُ سَمَاعُهُ
فَإِنَّ الَّذِي قَالُوا وَرَاءَكَ لَمْ تُقْلُ ۱۷

ترجمه:

۱. گروهی کینه جو هستند و همیشه دل هایشان نفرین می فرستد. اما این سلام بزرگ و مؤثر توست که هر گونه کینه و نفاق را از بین می برد.
۲. هر گاه آن‌ها خیرری ظاهر کنند، تو متقابلاً پاداش نیک بده. اما هر گاه از تو رویگردان شدند، تو از آن‌ها رویگردان مباش.



هنگامی که از پیامبر اکرم (ص) سؤال شد: چرا تحیت اول و دوم را با تحیت بیش تری پاسخ دادید، اما بر تحیت سوم چیزی نیفزودید؟ فرمود: او چیزی از تحیت برای من باقی نگذاشت. از این رو، همان را به او بازگردانیدم.^{۲۱}

سلمی یکی دیگر از شاعران عرب در این باره گوید:

إِنَّمَا حَيَّوْكَ يَا سَلْمَى فَحَيِّنَا
وَإِنْ سَقَيْتَ كِرَامَ النَّاسِ فَاسْقِينَا
مِنْ كُلِّ مَائِنَالِ الْفَتَى
قَدْ تَلَّتَهُ إِلَّا التَّحِيَّةَ^{۲۲}

۱. ای سلمی، ما تو را درود می فرستیم، تو نیز ما را درود فرست - اگر خواستی بهترین مردم را بهره مند سازی، ما را هم بهره مند کن.
۲. به هر مقصدی که فتوت و جوانمردی رسیده - من هم به آن نائل می شوم، جز ادای درود و سلام (از عهده ادای حق سلام بر نمی آیم).

در آیه دیگری خداوند می فرماید:
وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ^{۲۳}
ترجمه: «و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند، چرا که شیطان میان آن ها را به هم می زند.»

بیان تفسیری آیه

مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه فوق، مطالبی را نقل کرده است. از جمله این که: «سخنانی را بگویند و از روش هایی پیروی کنید که بهترین و عالی ترین باشد. در آن مطالب گفتارها و سخنان زیر تجلی

بیان تفسیری آیه

در کتاب «عوالی اللثالی»، علی بن ابراهیم از امام صادق (ع) مطالبی نقل کرده و طی آن، مراد از «تحیت» در گفتار خداوند را «سلام و درود» و موارد دیگری از قبیل «نیکی و احسان» دانسته است.^{۱۹}
مرحوم طبرسی در مجمع البیان، ذیل آیه شریفه: «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا...» می گوید: «شخصی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد: أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ. پیامبر (ص) فرمود: عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

دیگری عرض کرد: السسلام عليك ورحمة الله. پیامبر (ص) فرمود: و عليك السلام ورحمة الله وبركاته.

شخص دیگری خدمت حضرت رسید و گفت: السلام عليك ورحمة الله وبركاته. پیامبر (ص) فرمود: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

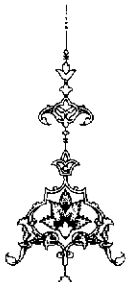
۳. در برابر کسی که به تو

آزار رساننده و سخنان بد از او شنیده ای - آن ها که پشت سر تو حرف زده اند، حرف بدی نزن و با آن ها به مقابله و جدال نپرداز.

لازم به ذکر است که پیامبر (ص) پس از شنیدن شعر علاء بن حضرمی، خطاب به وی فرمود: «بعضی از شعرها، حکمت ها را می سرایند و پاره ای از بیان ها، نوعی سحر هستند. همانا شعر تو نیکوست و به راستی که کتاب خدا (قرآن) از همه نیکوتر است.»

و نیز خداوند در قرآن می فرماید:
وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا
أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
حَسِيبًا.^{۱۸}

ترجمه: «و چون به شما درود گفته شد، شما به (صورتی) بهتر از آن درود گویند، یا همان را (در پاسخ) برگردانید، که خدا همواره به هر چیزی حسابرس است.»



آموزه قرآنی

۵۱

دوره سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۸۴



می کند:

۱. گروهی گفته اند، مراد از گفتن بهترین گفتار، ذکر و گفتن شهادتین و هر آنچه خداوند از ذکرها واجب کرده است.

۲. منظور آیه این است که خداوند به آنچه فرمان داده، امر به کار بستن آن را کرده و از آنچه نهی فرموده، مازا باز داشته است.

۳. گفته شده، مراد این است که مردم با یکدیگر به نیکوترین وجه صحبت کنند و از کلمات و ترکیباتی چون «رَحِمَكَ اللَّهُ»، یعنی خداوند تو را ببخشايد، استفاده کنند.

۴. مفهوم آیه فوق در آیه شریفه: **لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْوَالِدُونَ الْأَكْبَابُ.**^{۲۳}

ترجمه: آنان را مرزده بباد، پس بشارت ده به آن پندگمان من که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند. اینانند که خدا هدایتشان کرد و اینان همان خردمندان هستند.

نمایان است و بدین معنی در مقام مقایسه بین سخن برحق پیامبر(ص)

و سخن باطل مشرکان تبعیت از سخن حق رسول گرامی(ص) به عنوان گفتار احسن و پسندیده لازم الاتباع شمرده می شود.^{۲۴}

و نیز می فرماید: **إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السِّيئَةِ نَحْنُ أَهْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ.**^{۲۵}

ترجمه: «بدی را به شیوه ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می کنند داناتریم.»^{۲۶}

بیان تفسیری آیه

مرحوم طبرسی (ره) در تفسیر «مجمع البیان»، ذیل این آیه، به نکات ظریف دیگری اشاره کرده که بدین شرح هستند:

وی با اشاره به موضوع چشم پوشی و بخشش آیه را بیان کرده و فرموده است: «إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السِّيئَةِ... در این معناست که بدی بدرفتار را با چشم پوشی و بخشش دفع و از خود دور کن.»^{۲۷}

و نیز نقل کرده است که: «آیه در معنای دیگری نیز گفته شده است. این که، عمل باطل مشرکان را با بیان دلایل، با لطیف ترین راه ها، روشن ترین و نزدیک ترین سخن ها برای قبولشان دفع کن.»^{۲۸}

زیر نویس

۱. المولى المهدي التراقي، جامع السعادات، ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبیوی، ج دوم، ص ۳۸۱ و ۳۸۲.
۲. همان.
۳. همان.
۴. همان.



۵. همان، ج اول، ص ۳۷۳.
۶. همان، ص ۳۷۱.
۷. سورة البقرة، آیه ۸۳.
۸. ملاحظ اله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ج ۱، ص ۲۲۵.
۹. العروسی الحویزی و الشیخ عبدعلی ابن جمعه، نور الثقلین، ج ۱، ص ۹۴.
۱۰. همان، ص ۹۵.
۱۱. سورة البقرة، آیه ۶۶۳.
۱۲. ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان لطووم القرآن، ج ۲، ص ۳۷۵.
۱۳. همان.
۱۴. سورة فصلت، آیه ۳۴.
۱۵. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۴۹.
۱۶. تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲.
۱۷. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۵۰.
۱۸. سورة النساء، آیه ۸۶.
۱۹. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۲۵.
۲۰. تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۵.
۲۱. همان، ص ۸۴.
۲۲. سورة الباسرا، آیه ۵۳.
۲۳. سورة الزمر، آیات ۱۷ و ۱۸.
۲۴. تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۲۱.
۲۵. سورة المؤمنون، آیه ۹۶.
۲۶. تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۷.
۲۷. همان.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الطبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، شركة المعارف الاسلامیة، ۱۳۷۹ ق.
۳. العروسی الحویزی و العلامة الخیر الشیخ عبدعلی ابن جمعه، تفسیر نور الثقلین، علمیة قم.
۴. کاشانی، ملاحظ اله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، چاپخانه محمدحسن علمی، اردیبهشت ۱۳۳۳.
۵. التراقی، المولى المهدي، جامع السعادات، ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبیوی، تهران، انتشارات حکمت، ج دوم.
۶. آیت الله تجلیل تبریزی، ابوطالب، ارزش ها و ضارزش ها در قرآن، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، ۱۳۶۶.
۷. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره، دار الکتب المصریة، ۱۳۶۴.
۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا.